

تحولات جدید

در روابط اقتصادی کشورهای

کومکون



☆ روابط مستقیم بین موسسات

این واقعیت که اتحاد جماهیر شوروی اکنون خود را در پیشاپیش جنبشی قرار داده که هدف آن سازماندهی مجدد همکاری قیما بین اعضاء کومکون می باشد نه تنها حاکی از آن است که روش نیکیتا خروشچف در کسب یکپارچگی شورای همکاری متقابل اقتصادی از طریق برنامه های فوق ملی دیگر کهنه شده است، بلکه به این مفهوم است که در حال حاضر یکپارچگی اقتصادی را باید از طریق مخالف (از طریق تمرکززدایی) که در آن نقش اصلی برعهده روابط مستقیم بین کشورها قرار دارد، به انجام رساند. روش

همکاری چندجانبه مورد نظر، روابط مستقیم بین موسسات به همراه ارتباطاتی در دو سطح دیگر، یکی در سطح رسمی روابط بین

کشورها و دیگری در سطح روابط بین بخش‌هایی از اقتصاد هر یک از کشورها را شامل می‌گردد. اظهارات آقای سیچف: «گرچه موسسات خود بطور مستقیم در فرآیند یکپارچگی شرکت خواهند داشت، لکن این امر به هیچ وجه به مفهوم آن نیست که منافع همکاری‌های مبتنی بر برنامه‌ریزی از میان خواهد رفت»، تاحدودی می‌تواند به روشن‌تر کردن این جنبه موضوع کمک کند. در واقع، در جلسه پایانی کنگره پراگ، آقای سیچف تا آنجا پیش رفت که اعلام نمود: «علی‌رغم نیاز به تغییرات شدید در مکانیزم همکاری شورا، هماهنگی بین برنامه‌ها هنوز به صورت یکی از ابزارهای اساسی همکاری باقی می‌ماند».

☆ پیش‌شرط‌های روابط مستقیم

به هنگام تفسیر عبارت «یکپارچگی از طریق تمرکززدائی و روابط مستقیم» به صورتی بسیار گسترده، این واقعیت را نباید فراموش کرد که مسئولان در هر یک از کشورهای عضو شورای همکاری متقابل اقتصادی در مورد اهمیت فعلی یا آینده روابط در سطوح بالاتر، در چارچوب روابط مستقیم بین موسسات، برداشتهای کاملاً مختلفی دارند. موضعی که آنها در این رابطه اتخاذ می‌کنند به توبه خود یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده گام‌های واقعی بلندتر بعدی به سمت یکپارچگی اقتصادی است. با این وجود، در حال حاضر بنظر می‌رسد که اکثر

کشورهای عضو، روابط مستقیم بین موسسات را بعنوان نیروی محرکه اصلی در شکل‌دهی مجدد یکپارچگی اقتصادی شورا محسوب می‌نمایند. انتظار می‌رود که تعدد بسیار این گونه روابط مستقیم، بعد چندجانبگی مورد نظر را به روابط کشورها بیخشد. البته این نظر تا حدودی سفسطه‌آمیز است، زیرا مجاز شمردن روابط مستقیم از جمله سرمایه‌گذاری مشترک به خودی خود مکانیزم جدیدی را ایجاد نمی‌نماید. در حقیقت، اگر بنا باشد روابط مستقیم بخوبی عمل کنند، مکانیزم مربوطه باید قبلاً ایجاد شده باشد.

تماس مستقیم میان واحدهای اقتصادی مستقل در کشورهای مختلف بدون واسطه - گری نمایندگیهای تجارت خارجی - با اصول برنامه‌ریزی و ارشاد که تاکنون در مورد تجارت خارجی اعمال می‌شده است همخوانی ندارد. جای این تماس‌ها در سیستم موافقتنامه‌های مبادلاتی دو جانبه که بین دولتها منعقد می‌گردد، نیست و آنها روشهای فعلی تعیین قیمت، و نیز سیستم پرداخت را، که در آن کلیه معاملات از طریق بانک ویژه شورای همکاری متقابل اقتصادی در مسکو انجام می‌گیرد، رعایت نمی‌کنند. بنا بر این، اگر قرار باشد روابط مستقیم نتایج مورد انتظار را در زمینه‌های تولید، علوم و تکنولوژی برای سیستم همکاری اقتصادی فیما بین کشور - های عضو شورای همکاری متقابل اقتصادی، ایجاد نماید، باید قبلاً یکسوی از پیش‌شرط‌های بسیار مهم برآورده شده باشند. هم‌اکنون نشانه‌های روشنی از این موضوع در تشکیل

شرکتهای مشترک توسط واحدهای اقتصادی متشکل از دو یا چند کشور بچشم می‌خورد. در عمل و به‌هنگام تشکیل چنین شرکتهای مشترکی آنقدر مسائل و مشکلات حل‌نشده پدید می‌آید که تا به امروز تعداد این شرکتهای کمتر از تعداد شرکتهائی است که با مشارکت شرکتهای غربی تاسیس گردیده‌اند. روابط مستقیم تنها هنگامی مفهومی خواهد داشت که موسسات درگیر قادر باشند در مورد قیمت کالاها و خدمات عرضه‌شده به‌چانه زدن بپردازند، پرداختهای خود را مستقیماً انجام دهند و صورت‌حسابها را به پولهای مختلف صادر و تصفیه نمایند. آنچه مورد نیاز است سیستمی از قیمتها و نرخهای ارز می‌باشد که نشان‌دهنده کمیابی کالا و پول باشد.

☆ سیستم نامناسب قیمت و ارز

از آنجا که در کشورهای عضو شورا فرآیند تعیین قیمتها و سطح مطلق و نسبی آنها هیچ‌گونه ارتباط منطقی با واقعیات اقتصادی ندارد، این کشورها در حال حاضر مجبورند تا مبادلات دوجانبه خود را بر مبنای قیمتهای بازار جهانی یا به عبارت دیگر، به قیمتهای جاری در کشورهای سرمایه‌داری، انجام دهند. از سال ۱۹۷۶، متوسط قیمتهای جهانی در پنج سال گذشته، بعنوان مبنای مذاکرات دوجانبه در مورد قیمتها در نظر گرفته شده‌اند. این روش تعیین قیمت، به همراه سایر هزینه‌ها و تخفیفاتی که محسوب

می‌گردند، دلیل آن است که چرا کشورهای عضو شورای همکاری متقابل اقتصادی اجازه نمی‌دهند تا در مبادلات دوجانبه کالا و خدمات مازاد تجاری بوجود آید. وضعیت ا زاین قرار است که علی‌رغم معتبر بودن عمومی فرمول تعیین قیمت، عموماً در تمامی کشورها قیمت يك کالای معین برابر نیست. یعنی يك «روبل قابل انتقال» در معاملات فیما بین کلیه شرکاء تجاری عملاً از ارزش یکسانی برخوردار نمی‌باشد.

پرداختها، جهت جریان کالاها بین کشورهای عضو شورا، از طریق بانک بین‌المللی همکاریهای اقتصادی، که در سال ۱۹۶۴ تاسیس گردید، صورت می‌گیرد. تاسیس این بانک و سیستم تصفیه حسابها در آن (بر اساس روبل قابل انتقال) جانشین سیستم تهاتری قبلی گردید که در آن مبنای محاسبات «روبل قابل انتقال» (Transferable Rouble) بود. در حال حاضر هر يك از کشورها دارای يك حساب تهاتری با بانک بین‌المللی هستند که در آن حساب کلیه صادرات و واردات به صورت بستانکار و بدهکار ثبت می‌شود. این سیستم، تنها از نقطه نظر تکنیکی، يك سیستم حسابداری چندجانبه است. لکن، از آنجا که کلیه کشورها در موازنه کردن تجارت خود با هر يك از شرکاء دقت می‌نمایند - یعنی، از آنجا که مبادلات همواره به سوی دوجانبه بودن گرایش دارد - سیستم حسابداری چندجانبه هیچ‌گونه اهمیت اقتصادی پیدا نکرده است. جدای از اختلافاتی که در قدرت خرید روبل قابل انتقال از يك کشور تا کشور

دیگر وجود دارد، مازاد تجاری بدست آمده نمی تواند برای خرید کالا از يك کشور دیگر عضو شورا مصرف گردد چرا که در عمل، بازار آزادی وجود ندارد و کلیه معاملات به صورت بخشی از توافقاتی برنامه ای کارخانجات صورت می گیرند. تنها بین ۱ تا ۲ درصد از کلیه مبادلات کالاها و خدمات محاسبه شده برحسب روبل قابل انتقال نشان - دهنده تجارت چندجانبه می باشد.

☆ نیاز به پولهای قابل تبدیل

پیش از آنکه تماس مستقیم بین واحد های اقتصادی مستقل و منفعت طلب در کشور های مختلف بتواند به نحو شایسته ای عمل نماید، باید در کشورهای عضو شورا يك مکانیزم یکپارچگی با گرایش به سمت بازار آزاد، موجود باشد. قابلیت تبدیل پولهای ملی به یکدیگر، بخشی اساسی از چنین بازار مشترکی خواهد بود، زیرا این تنها وسیله ای است که موسسات از طریق آن می توانند مبنائی برای محاسبه و ارزیابی معاملاتی که انجام می دهند، بدست آورند.

در کشورهای عضو شورا، درك این واقعیت که برای تقویت و چندجانبه شدن دیرپای تجارت، قابل تبدیل شدن پولهای ملی امری گریزناپذیر است اساساً موضوع جدیدی نیست. از سال ۱۹۷۱، کشورهای عضو - به عنوان بخشی از برنامه جامع خود - قول دادند که به صورت تدریجی به سمت قابل

تبدیل شدن پول خود حرکت نمایند. لکن، در آن هنگام تغییر شکل اساسی در نحوه همکاری بین کشورهای عضو شورا هدف نهائی نبود، بلکه تنها تکمیل سیستم موجود از طریق قابل تبدیل نمودن شایسته «روبل قابل انتقال» مورد نظر بود. در پرتو کمیابی منابع وعدم قابلیت انعطاف این سیستم در کشورهای زیربط، ناظران خارجی شانس دستیابی به این هدف را زیاد نمی دانستند. همانطور که از بحثهای اخیر در مورد قابل تبدیل شدن پولها - که مجدداً آغاز شده - برمی آید، نظر شکاکان در این مورد صائب بوده است.

بدیهی است که قابل تبدیل شدن پولها، تنها در صورتی می تواند برای چندجانبه شدن تجارت مفید باشد که نرخهای مبادله بین پولهای ملی مختلف، توسط عوامل اقتصادی تعیین شود. بنابراین، قابل تبدیل شدن پولها خود پیش شرط اصلاح گسترده قیمتها در کلیه کشورهای سوسیالیستی مربوطه را بهمراه دارد. نتیجه نهائی اصلاحات مذکور باید بنحوی باشد که قیمت کالاها و خدمات، انعکاس کمیابی واقعی آنها باشد. این تفاسیر موجب به تنهایی برای نشان اینکه قابل تبدیل شدن یا نشدن متقابل روبل و دیگر پولهای کشورهای عضو شورا تنها به تمایل سیاسی آنها بستگی ندارد، کفایت می کند. تصمیم در این مورد که آیا این راه پیسودنی است یا خیر، به عوامل اقتصادی زیادی بستگی دارد. نرمیان این عوامل، امکانات بالقوه اقتصادی کشور از اهمیت خاصی برخوردار است چرا که قابل تبدیل بودن پول جز اینکه پول هر

کشور منمکس کننده توانائیهای واقعی اقتصادی آن کشور است، معنای دیگری ندارد.

پروفسور شنايف - معاون انستیتو اروپائی در مسکو - وظیفه پیشرو را بدین - ترتیب خلاصه کرده است: «برای بدست آوردن قابلیت تبدیل بین پول کشورهای اروپای شرقی و بین آنها و ارزهای معتبر غربی، ابتدا باید امکان مبادله کالاها حاصل گردد، یا به عبارت دیگر، کالاها باید به میزان کافی و با کیفیت بسیار مرغوب تولید شوند. آقای شنايف اعتقاد دارد که تبدیل پذیری پولهای کشورهای اروپای شرقی تا سال ۲۰۰۰ قابل حصول است. سخنگویان رسمی لهستان، چکسلواکی یا مجارستان در این زمینه خوشبین تر نیستند.

☆ سیاست گام به گام:

در حال حاضر به نظر می رسد که اعتقاد رسمی در اتحاد جماهیر شوروی به سوی این نظریه گرایش داشته باشد که برای باز کردن راه بسوی قابلیت تبدیل پولها، قبل می باید یکسری کامل از شرایط بر آورده شوند. بعنوان نمونه، آقای ایوان ایوانف - معاون کمیسیون تجارت خارجی دولتی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - عقیده دارد که برای جامه عمل پوشاندن به قابلیت تبدیل روبل باید با دقت فراوان حرکت کرد زیرا تغییراتی که این امر در بر دارد از چنان اهمیت اساسی ای برخوردار است که نه تنها

فنایت و رسات مشترك و روابط مستقیم میان بنگاههای چند کشور را تحت تاثیر قرار می دهد، بلکه بر روابط اقتصادی بین - المللی و فراتر از آن، بر توانائی اقتصاد داخلی، خصوصاً بازارهای داخلی، و عملکرد صحیح آنها تاثیر می گذارد. به این دلایل، آقای ایوانف توصیه می نماید که اتحاد جماهیر شوروی باید از سیاست گام به گام به سوی قابلیت تبدیل پیروی نماید.

او این مسئله ای که به عقیده ایشان باید بدان پرداخت، ویژگی اصلی کشورهای سوسیالیستی (عدم تعادل بین میزان پول در گردش و مقدار کالای عرضه شده است) که باید بر آن فائق آمد. اگر قابلیت تبدیل پولها پیش از موعد صورت گیرد این امر تنها گرایشهای تورمی موجود را تقویت خواهد کرد. بنابراین قدم اول، عرضه بیشتر کالاها در بازار برای بدست آوردن توازن میان عرضه کالا و حجم پول است. لکن، آنچه آقای ایوانف ناگفته باقی می گذارد آن است که این امر با حجم فعلی عوامل تولید چگونه می تواند انجام شود.

قدم دیگری که آقای ایوانف اظهار می دارد که باید پیش از به اجرا گذاشتن قابلیت تبدیل پولها برداشته شود، تعیین قدرت خرید روبل، زلوتی، مارک و سایر پولهای کت و ره های عضو است. این امر تنها در صورتی محقق خواهد شد که اصلاحات قیمتی گسترده ای انجام شود که در مورد اتحاد جماهیر شوروی اصلاحات مذکور باید تا سال ۱۹۹۱ تکمیل شوند. طبق نظر آقای ایوانف،

این مرحله از اصلاحات بطور آخص باعث مشقت مردم خواهد گردید، چراکه بناچار افزایش قیمت‌های عمده‌ای حتی برای کالاهای اساسی - بوجود خواهد آمد و اصلاحات قیمتی باید تا آنجا که انسانیت اجازه می‌دهد با حذف سوبسیدهایی که دهها سال است داده می‌شوند توأم باشد. به محض تعیین قدرت خرید روپل بر اساس قیمت‌های جدید، تلاش برای تعیین نرخهای برابری ارز بريك مبنای صحیح اقتصادی امکان پذیر خواهد بود. اگرچه برای جلوگیری از مسائل کوتاه مدت در بخشهای داخلی و تجارت خارجی اقتصاد، در عمل قابل تبدیل شدن پولها در این مرحله هنوز قابل توصیه نیست.

اصلاح قیمت‌ها باید با تعدیلاتی در سیستم توزیع کالا و خدمات، مخصوصاً در ارتباط با توزیع مواد خام و سایر نهاده‌های ذیربط، توأم باشد. توزیع از طریق ارگانهای دولتی متمرکز باید جای خود را به سیستم توزیع عمده فروشی بدهد. تنها در آن هنگام است که افراد و خصوصاً موسسات این فرصت را پیدا خواهند کرد تا از جانی خرید کنند که از مساعدترین ترکیب قیمت، کیفیت و سایر شرایط برخوردار است. به محض برآورده شدن این پیش شرطها در بازار کالاها و خدمات، می‌توان در مورد مجاز شمردن قابلیت تبدیل پولها اقدام نمود. لکن، اگر در قسمت عرضه از نظر ساختار و یا کیفیت، کمبودی دیده شود این خطر وجود خواهد داشت که نرخ ارز از همان ابتدا روندی روبه کاهش داشته باشد. به همین علت است که آقای

ایوانف اعتقاد دارد که تعدیل ساختار صنعت با شرایط داخلی و بین‌المللی، حائز اهمیت می‌باشد. یا به عبارت دیگر، اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی قبل از آنکه قدم بسیار مهم قابل تبدیل کردن پول را بردارند، باید کالاهای قابل رقابتی را عرضه نمایند.

☆ انتظارات بزرگ:

بنظر می‌رسد افراد دیگری، از جمله آقای شملیف - اقتصاددان روسی - مایل باشند قدم نهائی را زودتر بردارند. آنان اعتقاد دارند که نرخ برابری روپل برای موسسات روسی موجب افزایش انگیزه - های صادرات و کاهش تقاضا برای واردات شده و همزمان می‌تواند فرآیندهای مطلوب دیگری را نیز ایجاد نماید.

آقای شملیف تاثیرات مثبتی را که از قابل تبدیل شدن پول انتظار دارد بشرح زیر خلاصه می‌نماید: «این امر قیمت‌های داخلی و بین‌المللی را با یکدیگر مرتبط خواهد ساخت، در تجارت خارجی به عوض اصل کتمان حقیقت فعلی، يك اصل سودآوری واقعی معمول خواهد شد، نحوه همکاری در شورا از دو جانبه به چندجانبه تغییر خواهد یافت، بازار اتحاد جماهیر شوروی بروی دیگر کشورهای عضو شورا بازتر خواهد شد، قروض را بنحو بهتری می‌توان سروسامان داد و سرانجام، مانع اصلی سرمایه‌گذاری مشترك در کشورها از میان برداشته خواهد شد.»

به عقیده ایشان، آثار مثبت آن نه تنها از طریق کسب مازاد تجاری با کشورهایی که از توان اقتصادی بالایی برخوردارند حفظ می‌گردد، بلکه می‌توان به‌ذخایر کالاهای بخصوصی (از قرار معلوم مواد اولیه و سوخت مورد نظر است) و تاحدی به طلا و ذخایر ارزی و احتمالاً به استقراض جدید بین‌المللی نیز توسل جست. با مستحکم شدن روبل و مائیه عمومی، ما قادر خواهیم بود شرایطی بوجود آوریم که در آن شرایط در عمل و نه صرفاً در تئوری - درستکاری و باوجدان بودن در کار و نشان دادن ابتکار و صرفه‌جویی ارزش داشته باشد، شرایطی که تحت آن منافع دولت، موسسات و هر یک از کارکنان می‌تواند به حساب آورده شود.»

نکن، با وجود مسائل گوناگونی که هنوز لایتعل باقی مانده‌اند، گروه‌های دارای نفوذ در مدیریت اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی و محافل علمی جهان برای قابل تبدیل شدن پول کشورهای عضو شورای همکاری متقابل اقتصادی تا پایان قرن حاضر هیچ‌گونه امکان واقعی را ملاحظه نمی‌کنند. برای برخورداری از برخی منافع ارتباط مستقیم بین واحدهای اقتصادی در کشورهای مختلف - پیش از آنکه مرحله مذکور فرا رسد - کشورهای عضو شورا تلاش می‌نمایند تا الگوهای پولی معتدل‌تری را به‌اجرایگذارند. اتحاد جماهیر شوروی و چکسلواکی دو کشوری هستند که برای اولین بار آنچه را که به نام «قابلیت تبدیل دوجانبه» موسوم گشته به‌اجرا

در آورده‌اند.

☆ قابلیت تبدیل دوجانبه:

پیش از این در اجلاس‌کناری نوامبر سال ۱۹۸۶ برای بکارگیری دوجانبه پول‌های ملی، خصوصاً به‌منظور تشویق ارتباط مستقیم بین موسسات در کشورهای عضو شورا، تقاضاهای صریحی عنوان گردیده بود، که این امر به‌مثابه قدم اول به‌سوی قابل تبدیل شدن جامعه پول کشورهای عضو می‌باشد. از هنگام تصویب این قطعنامه، تعدادی از کشورها این راه را برگزیده‌اند. به‌پشتوانه موافقتنامه - های فی‌مابین کشورها، موسسات و سازمان‌های که از امتیاز تجارت خارجی برخوردارند به پول کشور دیگر دسترسی پیدا می‌کنند. از این‌رو، اتحاد جماهیر شوروی و چکسلواکی موافقتنامه‌ای را امضاء نموده‌اند که برطبق آن «کرونا» و «روبل» قابل تبدیل به یکدیگر بوده و سازمان‌های اقتصادی دو کشور - برای مقاصد تجاری - به پول کشور مقابل دسترسی می‌یابند. به‌نوع مثال، یک موسسه چک می‌تواند تعهداتی را که در قبال شریک تجاری روسی خود دارد از طریق برداشت روبل از بانک تجاری چکسلواکی انجام دهد. از طرف دیگر، موسسه روسی مربوطه نیز می‌تواند برای تصقیه حساب خود با طرف مقابل، کرونا بدست بیاورد.

تاکنون موافقتنامه‌های گوناگونی جهت قابلیت تبدیل محدود فی‌مابین دو پول بخصوص،

امضاء گردیده‌اند. ترتیبات بین اتحاد شوروی و بلغارستان و بین چکسلواکی و بلغارستان از نمونه‌های دیگر در این زمینه‌اند.

درکنگره شورای همکاری متقابل اقتصادی در پراگ نیز بار دیگر اظهارات صریحی در این رابطه که فرصت ایجاد شده برای مبادله پولهای ملی از طریق این موافقتنامه‌ها انحصاراً برای پرداختهای ناشی از ارتباط مستقیم بین موسسات کشورهای ذیربط و یا به عبارت دیگر، ارتباطاتی که صراحتاً ماهیتی دوجانبه دارند بکار برده خواهند شد، ابراز گردید. نرخ برابری مورد توافق بین چکسلواکی و اتحاد جماهیر شوروی به صورت هر روبل برابر با ۶۰ر ۱۰ کرونا بود. گفته می‌شود که بلغارستان و اتحاد جماهیر شوروی در مورد نرخ یک روبل معادل یک لوا به توافق رسیده‌اند. از این رو انتظار می‌رود که نرخ تبدیل کرونا و لوا نیز چیزی در حدود ده به یک باشد.

لکن کمیسیون مزبور هنوز قادر نیست تا به کشورهای که مایل به برقراری سیستم حسابداری دوجانبه می‌باشند کمک چندانی بنماید. اگرچه موافقتنامه‌های دولتی نرخ برابری متقابل را تعیین می‌کنند، اما اینکه تصمیمات اتخاذ شده (توسط موسسات) بر این مبنا تا چه حد واقعاً به نفع اقتصادی است مورد سؤال قرار دارد. این یکی از دلایلی است که چرا هدف از موافقتنامه‌های مذکور از همان بدو امر این بوده که میزان بسیار محدودی از مبادله بین دو پول مجاز شمرده شود. تا اواسط سال ۱۹۸۸، حدود ۱۰ میلیون کرونا، جهت پرداختهای مستقیم چکسلواکی به موسسات اتحاد شوروی، به زوبل تبدیل گردیده است. حتی اگر کل مبلغ تبدیل شده برای تمام سال به سه یا چهار برابر این مبلغ برسد، در مقایسه با حجم کل تجارت بین شوروی و چکسلواکی (۱۱۰ میلیارد کرونا در سال ۱۹۸۶) قابل اغماض خواهد بود.

اینکه در هنگام اخذ تصمیمات عقلانی در مورد صادرات و واردات، غیرقابل تبدیل بودن یا جهات اقتصادی نرخ برابری روبل تا چه میزان باعث ناراحتی است، از اظهارات اخیر اقتصاددانان در مسکو پیداست: بعنوان اولین مرحله در راه قابلیت تبدیل کامل پولها، این اقتصاددانان براساس تجربیات حاصله در لهستان - که بیش از یکسال است چنین سیستمی در آن اعمال می‌شود - توصیه می‌نمایند که روبل در داخل قابل تبدیل شود. ◀ ادامه در صفحه ۹۱

☆ مشکل لاینحل قدیمی:

سیستمی که در آن قابلیت تبدیل در هر مورد به صورت دوجانبه مورد توافق قرار می‌گیرد مشکلات قدیمی مربوط به تعیین مناسب قیمتها و نرخهای ارز را حل نشده باقی می‌گذارد. اگرچه کمیسیون پول و امور مائی شورای همکاری متقابل اقتصادی از دیرباز تلاش نموده است تا نرخهای ارز واقع‌بینانه‌ای را در میان اعضا برقرار سازد،